

منشور ۸۱ Charter 2003

۲۱ بهمن ۱۳۸۱ - ۱۰ فوریه ۲۰۰۳

هم‌زمان با سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، جمعی از روشنفکران، متخصصان، فعالان سیاسی و حقوق بشری ایران سندی به نام "منشور ۸۱" صادر کرده و آرمان‌های خود را برای استقرار نظامی دموکراتیک در ایران تبیین کرده‌اند.

منشور ۸۱ در ۱۲ بند تنظیم شده، و اصولی مانند نهادینه کردن حقوق و آزادی‌های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر در قانون اساسی ایران، جدایی دین از حکومت، دموکراسی توزیعی، و نفی مطلق خشونت و اعدام، در آن تصریح شده است. در بین امضاکنندگان، شخصیت‌های ادبی، سیاسی، حقوق بشری و حرفه‌ای متعددی دیده می‌شوند. منشور ۸۱ هم‌چنین از طرف شماری از نیروهای جوانی که در نوک مبارزه سیاسی در داخل ایران قرار دارند امضا شده است. هم‌زمان با صدور منشور ۸۱، یک پایگاه اینترنتی مخصوص آن نیز برای دنبال کردن اهداف منشور آغاز به کار کرده است.

دکتر حسین باقر زاده، از نویسندگان منشور ۸۱، هدف آن را ایجاد پلاتفرمی برای طرح و پیشبرد اصول دموکراتیک و آرمان‌های حقوق بشری در فضای سیاسی ایران می‌داند و می‌گوید: "هدف این منشور ایجاد یک حزب یا سازمان سیاسی جدید نیست. منشور ۸۱ بر اساس مدل "منشور ۷۷" چکوسلوواکی (سابق) در سال ۱۹۷۷ و "منشور ۸۸" بریتانیا در سال ۱۹۸۸ تنظیم شده است. در این منشور ما سعی کرده‌ایم اصول محتوایی یک نظام دموکراتیک در آینده ایران را مشخص کنیم. هدف این بود که ما بتوانیم به عنوان بخشی از جامعه روشنفکری و سیاسی ایران، اصول و آرمان‌های آزادیخواهانه، دموکراتیک، صلح‌جویانه و حقوق بشری مطلوب خود را روی کاغذ بیاوریم و آن را فراراه مبارزات مردم ایران و سازمان‌های سیاسی قرار دهیم. البته خود امضاکنندگان منشور (و یا بخشی از آنان) نیز می‌توانند، اگر بخواهند، منشور را پایه یک حرکت سیاسی قرار دهند و احیاناً راهکارهای تحقق اصول را مشخص کنند."

منشور ۸۱ با امضای بیش از یک صد نفر منتشر شده و اکنون برای امضای سایر ایرانیان علاقمند باز شده است. علاقمندان می‌توانند با مراجعه به پایگاه اینترنتی www.charter2003.org متن منشور را ببینند و در صورت تمایل امضای خود را پای آن بگذارند. هم‌چنین با مراجعه به این پایگاه می‌توان در جریان فعالیت‌های بعدی منشور قرار گرفت و یا گفتگوهای مربوط به پی‌گیری اهداف منشور و راهکارهای تحقق آن‌ها را دنبال کرد.

هم وطنان آزادی خواه ایران

بیست و چهار سال پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران، کشور ما در آستانه یک تحول تاریخی قرار گرفته است - تحولی که می رود تا آن را از جنبه استبداد و خودکامگی بیرون بیاورد و سرنوشت آن را به دست صاحبان حقیقی کشور، یعنی مردم، بسپارد. در این تحول تاریخی، شرکت آحاد مردم آزادی خواه و پیشرو، برکنار از علایق سیاسی و مذهبی آنان، اهمیت حیاتی دارد، تا با کمک یکدیگر راه حصول این هدف بزرگ را هموار سازند و مانع از آن شوند که یکبار دیگر سودجویانی اعتماد مردم را به بازی بگیرند و به نام آنان قدرت خود را استحکام بخشند.

پنج سال پیش که جنبش اصلاح طلبی در ایران پا گرفت، برای بسیاری این امید پدید آمد که این جنبش بتواند سنت قانون گرایی را در جمهوری اسلامی استقرار بخشد و از این طریق، راه تحول تدریجی و مسالمت آمیز جامعه ایران به سوی مردم سالاری هموار شود. اصلاح طلبان حکومتی بر آن بودند که با استقرار حکومت قانون، آزادی های مدنی در جمهوری اسلامی نهادینه خواهد شد و این امر به حاکمیت استبداد و خشونت و آمریت سیاسی که خصیصه های اصلی این جمهوری در دو دهه گذشته بوده است خاتمه خواهد داد.

در این مدت، البته جابجایی هایی در مدیریت سیاسی حاکم بر کشور صورت گرفت و گفتمان اصلاح و نفی خشونت در فرهنگ سیاسی ایران جا باز کرد. تحول چشمگیری در امر نشر و مطبوعات ایجاد شد، و ضریب شرکت مردم در انتخابات بالا رفت. ولی تجربه نشان داد که اصلاح طلبان حکومتی، علیرغم پشتوانه عظیم آرای میلیونی مردم که در انتخابات پیایی تمامی نهادهای انتخابی جمهوری اسلامی را در اختیار آنان گذاشته است، به دلایل ساختاری و ایدئولوژیک از تحقق آرمان های مردم سالارانه جنبش اصلاح طلبی عاجزند:

الف - قوانین جمهوری اسلامی در وجه غالب آن ضد دموکراتیک، خشونت بار، تبعیض آمیز، و ناقض آزادی های فردی و اجتماعی و حقوق بشر است. از این رو، تلاش برای حاکمیت این قوانین به اعمال و تثبیت این نابرابری ها و خشونت ها منجر شده است.

ب - تحقق آزادی های مدنی و موفقیت پروژه اصلاح طلبی در گرو تغییر در قوانین جمهوری اسلامی، و به خصوص اصلاح قانون اساسی، و سلب قدرت مطلقه ولی فقیه، و حذف نهادهای ضد دموکراتیک حاکم بر جمهوری اسلامی است. ولی غالب اصلاح طلبان حاکم، به دلیل وابستگی ایدئولوژیک خود به نظام جمهوری اسلامی خواهان چنین تغییراتی نبوده اند و بعضا حتی در برابر این خواست ها مقاومت کرده اند.

شکست اصلاح طلبان حاکم که به دلایل ساختاری و ایدئولوژیک فوق صورت گرفته و ابعاد آن اکنون برای اکثریت مردم ما روشن شده، اثرات زیانباری از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به بار آورده و جامعه ما را در صحنه داخلی و بین المللی به شرایط بحرانی نزدیک کرده است. اکثریت قاطع مردم ما خواهان نفی کامل استبداد مذهبی و سلطه روحانیت شیعه بر مقدرات کشورند، و اعتماد خود به

موفقیت جنبش اصلاحی را از دست داده‌اند. سیاست ماجراجویانه خارجی جمهوری اسلامی آن را در انزوای سیاسی فرو برده و اقتصاد و امنیت کشور ایران را به خطر انداخته است. بخش بزرگی از اصلاح‌طلبان و هواداران آنان نیز به این واقعیت‌ها رسیده‌اند و راهکارهای گشاینده را در خارج از حاکمیت یا خارج از چهارچوب‌های تنگ جنبش اصلاحی حاکم می‌جویند.

در این شرایط، بر همه ایرانیان آزادی‌خواه دموکرات و وطن‌دوست در داخل و خارج کشور، و اصلاح‌طلبان معتقد به یک نظام مردم‌سالار عرفی، فرض است که دست به دست هم دهند و با بسیج همه‌جانبه نیروهای اجتماعی مستقل از حاکمیت به کارزاری عمومی دست زنند، و کشور و جامعه ایران را در مقابل خطرات سهمگینی که در کمین آن است یاری کنند.

ما امضاکنندگان زیر، با نظرگاه‌های مستقل، برای ایجاد زمینه چنین حرکتی منشور زیر را فراهم کرده‌ایم و هدف‌ها و خواست‌های خود را به این شرح اعلام می‌کنیم. ما هم‌چنین از همه ایرانیانی که از این نظرات پشتیبانی می‌کنند دعوت می‌کنیم که به صف ما بپیوندند و در این اقدام با ما همراه شوند.

منشور ۸۱ - Charter 2003

۱ - ما حقوق و آزادی‌های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تمامی می‌پذیریم و خواهان نهادینه شدن آن‌ها در قانون اساسی ایران هستیم.

۲ - ما معتقد به اصل انکارناپذیر حکومت مردم بر مردم از طریق آرای عمومی هستیم، و تنها نهادهایی را که منبعت از آرای آزاد مردم باشد به رسمیت می‌شناسیم.

۳ - ما خواهان جدایی کامل نهاد دین از نهاد حکومت، و نفی سلطه روحانیت یا هر قشر و فرد دیگری که خارج از راهکارهای مردم‌سالارانه متحقق شود هستیم.

۴ - ما آزادی عقیده و مذهب را به رسمیت می‌شناسیم، و هر گونه دخالت حکومت در مذهب را نفی می‌کنیم.

۵ - ما به برابری کامل ایرانیان، صرف نظر از جنسیت و نژاد و قومیت و زبان و عقیده و مذهب و خصوصیات شخصی افراد، اعتقاد داریم و هر گونه تبعیض و نابرابری مبتنی بر این تفاوت‌ها را نفی می‌کنیم. ما به خصوص بر برابری حقوقی کامل زنان و مردان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تاکید می‌کنیم.

۶ - ما معتقد به ساختاری حکومتی با حد اقل کنترل مرکزی و حد اکثر دموکراسی محلی و متناسب با تنوع قومی، زبانی و فرهنگی مردم ایران با حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور هستیم.

۷ - ما معتقد به حق برابر مردم ایران در بهره‌گیری از ثروت ملی و منابع طبیعی کشور هستیم. ما

هم‌چنین بر آنیم که حکومت باید یک حد اقل سطح زندگی را برای هر فرد ایرانی تضمین کند.
۸ - ما دخالت حکومت در حوزه زندگی شخصی و روابط خصوصی افراد را نفی می‌کنیم و تنها وظیفه حکومت در روابط بین افراد را جلوگیری از تجاوز شهروندان به حقوق یکدیگر می‌شناسیم.

۹ - ما مخالف جواز قانونی اعمال هر گونه خشونت از سوی حکومت هستیم، و کاربرد شکنجه و مجازات‌های خشن و نانسانی، از جمله اعدام، را در هر شرایطی نفی می‌کنیم.

۱۰ - ما از جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران و به خصوص زنان، جوانان، دانشجویان، نویسندگان و هنرمندان، دانشگاهیان، فرهنگیان، متخصصان، کارمندان و کارگران که برای استبداد مذهبی مبارزه می‌کنند حمایت می‌کنیم. در عین حال، ما معتقد به تحول مسالمت‌آمیز جامعه به سوی مردم‌سالاری و تحقق آرمان‌های یاد شده در این منشور هستیم.

۱۱ - ما خواهان گسترش روابط بین‌المللی ایران با همه کشورهای جهان بر اساس صلح و احترام متقابل، منشور سازمان ملل، و استقلال و مصالح ملی ایران هستیم، و از پیمان‌های جهانی ناظر بر صلح، عدم تجاوز، حقوق بشر، توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، و حفظ محیط زیست حمایت می‌کنیم.

۱۲ - ما به حق مردم برای تعقیب و مجازات کسانی که در گذشته به حقوق مردم تجاوز کرده‌اند احترام قایلیم. در عین حال، معتقدیم که باید با رعایت اصل ۹ این منشور، از طریق یک کمیسیون حقیقت‌یاب آشتی ملی و یا در دادگاه‌هایی صالح به صورت عادلانه به این اتهامات رسیدگی شود.

اسامی امضاکنندگان منشور به ترتیب الفبا:

(برای امضای منشور لطفاً به www.charter2003.org مراجعه فرمایید)

دکتر بهار آزادفر، پزشک، آلمان

دکتر شهریار آزادگان، محقق خطوط مخابراتی و دیجیتال، آلمان

نعمت آزر، شاعر، فرانسه

دکتر رامین احمدی، نویسنده و پزشک، آمریکا

ایرج ارجمند راد، محقق فرهنگی، آلمان

دکتر فرج اردلان، پژوهشگر سیاسی، آمریکا

مرتضی اعرابی، حسابرس، سوئد

رضا اقبال آل آقا، کارشناس مدیریت و حسابداری، انگلیس

دکتر مسعود امید

دکتر علی اکبر امیدمهر، مشاور روابط بین‌الملل، دانمارک

مسعود امینی، آمریکا
فریدون امیر ابراهیمی، انگلیس
دکتر مرتضی انواری، استاد دانشگاه، آمریکا
مهندس حسین انور حقیقی، برق و کامپیوتر، آلمان
سیما ایزد، آلمان
دکتر حسین باقر زاده، فعال حقوق بشر، انگلیس
حمید رضا برهانی، پناهنده سیاسی
دکتر سهراب بهداد، استاد دانشگاه، آمریکا
محمد بهزادی، متخصص فنآوری اطلاعات، آلمان
کیومرث بهگر
دکتر کورش پارسا، مهندس مخابرات، آمریکا
خلیل پاک‌نیا، تکنیسین کامپیوتر، سوئد
دکتر منوچهر پروین، استاد دانشگاه، آمریکا
عیسی پژمان، صاحب امتیاز و مدیر ماهنامه نیما، فرانسه
بنفشه پورزند، آمریکا
حبیب تبریزیان، حسابدار - تکنیسین (فنی)، نروژ-سوئد
احمد تقوایی، آمریکا
کیانوش توکلی
دکتر منوچهر ثابتیان، پزشک و فعال سیاسی، انگلیس
دکتر محمود جوادی، متخصص بیهوشی، سوئد
نوشین حاتمی، استاد تاریخ، آمریکا
حسین حبیب زاده، شغل آزاد، آلمان
مهندس سعید حسین زاده، عمران (راه و ساختمان)، آلمان
دکتر اسماعیل خویی، شاعر، آمریکا
مسعود دانشور، شغل آزاد، سوئیس
صمد دژبان، مدیر شبکه‌های کامپیوتری، آلمان
محمد درخشان، سوئد
امیر دها، مدیر شرکت اینترنتی، انگلیس
محمود رفیع، دبیر جامعه دفاع از حقوق بشر، برلن، آلمان
دکتر کاظم رنجبر، جامعه‌شناس سیاسی، فرانسه
مجید رهگذر، پزشک داروساز، استرالیا
حسن زارع زاده اردشیر، سخنگوی جبهه متحد دانشجویی، ایران
فتحیه زرکش یزدی، فعال مسایل زنان، انگلیس
دکتر حمید زنگنه، استاد اقتصاد، آمریکا
هادی زمانی، انگلیس*
حمید زواره‌ای، هنرمند نقاش، آمریکا
علی ساکی، نروژ
سامان سجادی، ترکیه

اصغر سربی، تلویزیون رنگارنگ، آمریکا
سید محمد سعیدی
آرمان سیفی، مدیریت، آمریکا
برزو شکوهمند، بیوشیمیست، آلمان
رضا شیرازی، مدیر مالی، آمریکا
فرشاد صفایی، اقتصاددان، انگلیس
صادق صفاری، مهندس معمار، انگلیس
غلامرضا صولت زاده، دانشجو، آلمان
مهندس شاهین ضیائی، سوئد
مجید ظهیری، مهندس آرشیفتکت، هلند
محمد تقی عالیخانی، مهندس بازنشسته، آمریکا
دکتر مینا عبادپور، پزشک، آلمان
رسول عباسی، دبیر کل نهضت نجات ملی ایران، آذربایجان - ایران
دکتر حسین عبقری، استاد دانشگاه، آمریکا
دکتر شهلا عبقری، استاد دانشگاه، آمریکا
میرزا آقا عسگری، شاعر و نویسنده، آلمان
مناف عماری، وکیل دادگستری، نروژ
دکتر حبیب فخرائی، محقق بیماری سرطان، آمریکا
دکتر سعید فرزانه، انگلیس
دکتر منصور فرهنگ، آمریکا
حسین قلی پور، مشاور کامپیوتر، کانادا
مهندس سام قندچی، ناشر، آمریکا
کیومرث کاووسی، آمریکا
زیبا کرباسی، شاعر، انگلیس
محمود کرباسی، مدیر تولید نرم افزار، آمریکا
دکتر مسعود کریم نیا، آلمان
رضا کریمی، فیزیک دان، آلمان
دکتر زیبا کریمی، متخصص فنآوری اطلاعات، آلمان
سعید کریمی، فیزیک دان، آلمان
دکتر مجید کریمی، پزشک، آلمان
محمد کریمی، متخصص فنآوری اطلاعات، آلمان
دکتر نسترن کریمی، پزشک، آلمان
دکتر نسرين کریمی، پزشک، آلمان
صمصام کشفی، شاعر، آمریکا
شیما کلباسی، شاعر، آمریکا
دکتر قاسم گرانمایه کاشانی، انگلیس
امیر حسین لادن، آمریکا
دکتر حسن ماسالی، آمریکا

اسد مذنبی، طنزنویس، کانادا
دکتر گلمراد مرادی، مدرس، مترجم و نویسنده، آلمان**
ناصر مصلحتی، شغل آزاد، آلمان
امیر منصور معصومی، محقق جامعه شناس، کانادا
امیر معنوی، ناشر، آمریکا
عباس معیری، استاد مینیاتور و نقاش، فرانسه
داود مقدوری، سوئد
سعید منتظری، متخصص فنآوری اطلاعات، آلمان
مهندس محمود موسی دوست، الکترونیک و فنآوری اطلاعات، آلمان
مسعود مهاجری، تحلیلگر مسایل داخلی، ایران
بیژن مهر، فعال سیاسی، آمریکا
کاوه میثاق، بازیگر و کارگردان تئاتر، آلمان
شاهین میر محمد حسینی، دانشجو، سوئد - اتریش
اسماعیل میر مظفری، آمریکا
رامین ناصح، دبیر کل سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران، ایران
جواد والدان، مسئول سایت فرهنگی ایران آزاد، آلمان
رضا هیوا، شاعر، فرانسه
فرزام یوسفی زاد، آلمان

جنبش وحدت ملی ایران (<http://vahiran.tk>)

سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران، ایران (<http://ettehad.persianblog.com/>)

* با ملاحظاتی در مورد مواد ۲، ۳ و ۶

** با ملاحظاتی در مورد ماده ۶

علاوه بر اسامی فوق، افراد زیر با نام مستعار امضا کرده‌اند و ۱۵ امضاکننده دیگر نیز خواسته‌اند که امضای آنان محفوظ بماند

البرز، مهندس راه و ساختمان، آمریکا

آزاده ایرانی، سویس

دکتر ایریانا خراسانی، روانشناس، آمریکا

علی فلاح، استرالیا

روزبه وین، اتریش (با ملاحظاتی در مورد مواد ۷ و ۱۰)